



سرمقاله

## انسجام اسلامی، از تصور تا تصدیق

وحدت و انسجام اسلامی، اصل اساسی و راهبردی دائمی برای ارتباط اجتماعی در امت اسلامی است. اما این امر، نیازمند بازخوانی چند مسأله اساسی است که موضع شایسته در قبال آنها، مبادی تصدیقی انسجام اسلامی را در ابعاد شناختی، اخلاقی و رفتاری، تشکیل می‌دهد. تنها با پذیرش و اعمال این اصول است که عناصر و فعالیت‌های انسجام‌بخش در حسن تفاهم ملل و دول مسلمان و همزیستی مذاهب در داخل مرزهای هر کشور اسلامی، توسعه و تعمیق خواهد یافت:

**الف. اصالت جماعت:** مفهوم امت، محور نظام اجتماعی در اسلام است و در نگاه وحی و روایات فریقین، نشر و مراعات انسجام و همراهی با جماعت مسلمین، یک عنصر ضروری است، و همه مسلمین با نام امت واحده، به تمسک به دین مشترک و درآویختن و پناه بردن به ریسمان الهی وحدت، توصیه شده‌اند. تفرقه و کینه‌ورزی و قطع رابطه با جمع، از کبائر شمرده شده و مورد نکوهش و نهی قرار گرفته است. اسلام، بنیان حرکت خویش را بر اجتماع و تلاش جمعی نهاده، از تفرد و تکروی پرهیز داده، و از شئون اساسی گرفته تا امور جزئی و پیش پا افتاده مانند غذاخوردن، خیر و برکت را در جمعیت، و خسارت را در تنهایی دانسته است. به این ترتیب اصل اولیة اسلامی، وحدت و جماعت است، مگر آن که تجویز خلاف آن، در موردی ثابت شود.

ب. **مرز اسلام و کفر:** این امری طبیعی است که هر مذهبی قرائت خویش را از اسلام، حقیقت ایمان و اوج اسلام بیندارد و فلاح کامل را در گرو مذهب خویش بینگارد. اما آیا می‌توان مرزهای اسلام را آن قدر تنگ و محدود تعریف کرد که همه به جز یک فرقه، از دایره امت اسلام بیرون بمانند و از ملت کفر به حساب آیند؟! آیا تعالیم اسلامی برمی‌تابد که اتباع مذاهبی که به اصول اساسی اسلام، اقرار کنند و به ارکان اسلام پایبند باشند، در زمره مسلمین به حساب نیایند؟! آیا پذیرفتنی است که علاوه بر حصر حقایق ایمان در یک مذهب، تمامی دارالاسلام نیز از سوی یک عقیده مصادره شود؟!

چنین تعصب کور مذهبی، فرقه‌هایی را پدید آورده که سالها پهلوی یکایک مذاهب اسلامی را به درفش تکفیر دریده و در صفحات آغازین کارنامه خود ننگ کشتار صدها شیعه و سنی را در حجاز و عراق، و در صفحات اخیر آن ترور هزاران بیگناه را در عراق و افغانستان جای داده است! طرفه آن که این فرقه تکفیری بی‌ریشه که کمتر از صد سال از پیدایی‌اش می‌گذرد، خود را وارث علم و علم سلف می‌داند و به نیابت از آنان و با شعار سلفی‌گری، تمامی فرق اسلامی را بدعت و برساخته می‌انگارد، و طرفه‌تر آن که به تازگی سایر فرق اسلامی را به وحدت و ترک منازعه خوانده است!

باید محور مشترک اسلام را شناخت، تا مرز میان مسلمانی و نامسلمانی شناخته شود و همه کسانی که به این مشترکات، متمسک باشند، مسلمان و برادر هم به حساب آیند. و گر نه، اوامر و توصیه‌های اسلامی به اخوت و برادری و اتحاد امت، حکمی بلاموضوع خواهد بود!

آیات و روایات رسیده در این باب و معتقدات مذاهب مختلف، سه عنصر اساسی: قرآن، سنت پیامبر و حب عترت علیهم‌السلام، را پایه‌های اعتقادات اسلامی تعیین کرده، و التزام به احکام پنجگانه: «نماز»، «زکات»، «روزه»، «حج» و «جهاد» و امر به معروف و نهی از منکر، پایه‌های عملی اسلام معرفی کرده‌اند. از این رو در باور همه مذاهب اسلامی، منکر و دشمن قرآن، پیامبر و اهل بیت، کافر شمرده می‌شود و کسی که از سر عمد و عناد، به احکام یادشده ملتزم نباشد، از دایره مسلمانی بیرون است.

ج. **حقوق مسلمانان بر یکدیگر:** باید به یاد داشت که آنچه را معارف اسلامی به عنوان وظایف متقابل مسلمین مقرر داشته، بیش از نگاه داشتن حرمت خون و مال یکدیگر و پرهیز از ستمکاری است؛ که این مقدار نسبت به کافران غیرمتجاوز

نیز مقرر گردیده است. مسلماً مسلمانان افزون بر حقوق انسانی، حقوقی دینی نیز بر گردن یکدیگر دارند، و گرنه یک مسلمان غیرهم‌مذهب چه فضیلتی بر کافر غیرحربی دارد؟!

مهرورزی نسبت به برادران مسلمان، ضرورت اهتمام به امور مسلمین، احسان به دیگر مسلمانان، سماحت و مدارا، خوشرویی و گشاده‌دستی، مشکل‌گشایی و دادرسی، و به ویژه حسن ظن، خیرخواهی و خوش‌گفتاری، اصلاح ذات‌البین و ...، بخشی از توصیه‌های بی‌شمار پیشوایان اسلام به همه مسلمین است. افزون بر این، اهل بیت علیهم‌السلام به پیروان خود سفارش نموده‌اند که در این خصوص، به آنها اقتدا نمایند و بی‌مهری‌های دیگران را معیار خود نسازند.

**د. مدارا و سعه صدر:** باور به اصل مهم مدارا، یکی از ارکان اخلاقی وحدت است. در سفارش‌های فراوان پیامبر و هادیان معصوم امت علیهم‌السلام، مدارا نیمی از دین و ایمان شمرده شده است. از ظرفیت‌های اختصاصی شیعه برای تحمل مذهبی و بردباری و خویش‌داری عقیدتی، مفهوم نقیه مداراتی در برابر دیگران است. این مفهوم، فراتر از تحمل عقاید مخالفان مذهبی، شیعه را در ابراز عقاید صحیح و معرفی معارف بلند شیعه، به رعایت تحمل مخاطبان و سنجش ظرفیت مخالفان دعوت می‌کند، و در منابع روایی تصریح شده که گناه انکار معارف حق بر گردن کسانی است که بی‌آن که ظرفیت علمی و عقیدتی دیگران را بسنجند، آنها را عرضه می‌دارند و باعث انکار دیگران می‌گردند.

**ه. هزینه‌های وحدت:** تکالیفی که اهداف عالی اسلام، بر دوش مسلمین می‌نهد، بی‌تکلف و هزینه نیست؛ که اگر چنین می‌بود، امتحان و ابتلا از سنت الهی رخت برمی‌پست و دنیا دار تکلیف نمی‌بود. طبیعی است که ایجاد و حفظ موقعیت منسجم و متحد امت اسلامی، در گرو گذشت از طرح برخی از عقاید اختصاصی است، و با اصرار بر ترویج تمام مواضع مذهبی سازگار نیست. آرام‌نگاهداشتن فضای جهان اسلام و پیوند میان مسلمین در کشورهای اسلامی، خویش‌داری و حتی گذشت از حقوق مسلم را می‌طلبد، و البته هر کس قلبش برای اسلام بیشتر می‌تپد، «فلیستعد للبلاء جلیباً».

مگر نه این که آن امیر اولین و آخرین مؤمنان، به خاطر حفظ عمود خیمه

اسلام و یکپارچگی امت اسلام، خار در چشم و استخوان در گلو از حقوق الهی مسلم خویش، دست شست و مهر سکوت بر دهان زد؟! شیعیان و پیروان آن امام متقین - که در تبعیت از او، اولی از همه هستند - شکیب رهبانه را از او می آموزند، و سیرت تمامت خواهی خودپرست بداندیشان وی دشمنان و رقیبان وی که وصال مرادشان از حرمت رسول و دخترش مهم تر می نمود، به تابعان آنها وامی گذارند!

\*\*\*

اینها، اصول و ریشه‌هایی است که راهبرد وحدت را برتر از یک تاکتیک و ضرورت مقطعی - که دشمن بیرونی و یا اضطرار درونی آن را حتمی ساخته باشد - بلکه به عنوان یک اصل اساسی و راهبرد دائمی، فراروی مسلمین می‌نهد. ثمرات مبارک این ریشه‌ها، می‌تواند از همزیستی مذهبی گرفته، تا هم‌اندیشی مشترک در مسائل دینی امروز و همدلی، همفکری، همگرایی و همکاری در حل مسائل جهان اسلام باشد؛ ﴿كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ، تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا...﴾ صدق الله العلی العظیم.